

«امیرالمومنین انقلابی تا انقلابِ امیرالمومنینی»

کانال حکمت بیان:

https://eittaa.com/hekmat_ebayan

چرا امیرالمومنین با دارا بودن همه عوامل محبوبیت، در جامعه خودشان محبوب نبودند؟

امیرالمومنین همه عوامل محبوبیت را در خودش جمع کرده بود، هیچ چیزی کم نداشت در اینکه او در زمان خودش در اوج محبوبیت قرار بگیرد اما حضرت در زمان خودشان نه تنها آنچنان محبوب نبودند بلکه شدت نفرت از حضرت در دل مردم موج می زد چرا؟ مگر آدم ها چطور محبوب می شوند؟ مثلاً علم محبوبیت می آورد. بعد امیرالمومنین چقدر علم داشت؟ حضرت اشاره می کرد به سینه خودش می فرمود: «اینجا علم موج می زند ای کاش کسی را پیدا می کردم این علوم را به او منتقل می کردم؛ إِنَّ هَاهُنَا عِلْمًا جَمًّا وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ لَوْ أَصَبْتُ لَهُ حَمَلَةً» (الارشاد، ج ۱، ص ۲۲۸) بعد می فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَقْقِدُونِي فَلَا نَأْ بِطُرُقِ السَّمَاءِ أَعْلَمُ مِنِّي بِطُرُقِ الْأَرْضِ؛ مردم! از من بپرسید قبل از اینکه مرا از دست بدهید من به راه های آسمان آشناتر هستم تا راه های زمین» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹) علی القاعده امیرالمومنین باید به خاطر همین یک خصلتش سرآمد باشد در محبوبیت اما ببینید چطور با حضرت برخورد می کردند؟ یکی از خوارج برگشت گفت: «خدا علی را بکشد، چقدر این مرد می فهمد؟ قَاتِلَهُ اللَّهُ كَافِرًا مَا أَفْقَهَهُ» (نهج البلاغه، حکمت ۴۲۰) آقاییون! شما این مشکل را حل کنید، یک نفر که خیلی می فهمد باید فحش بخورد یا فدایش شوند؟ علم محبوبیت می آورد،

الان بعضی ها لب و لوجه شان آویزان غرب هست سر چیست؟ سر علم و فن آوری های علمی است دیگر. تازه می دانید دیگر ۷۰ درصد مردم اروپا دیپلم هم ندارند؟ این آمار رسمی سایت های خودشان هست. بعد تازه متخصصین علوم مختلف را هم می دانید دیگر مغزها را می خردند و گرنه خودشان مگر چند تا مغز دارند؟ با این اوصاف خیلی ها بدی های غرب را ندید می گیرند به خاطر علم و فن آورهای علمی که تازه برای خودش نیست. قبول؟ علم محبوبیت می آورد؟ حالا چرا برای امیرالمومنین محبوبیت نیاورد؟

قدرت عامل محبوبیت امیرالمومنین

دیگر چه چیزی محبوبیت می آورد؟ قدرت، اساسا محبوبیت می آورد. آدم ها عاشق انسان های شجاع و قدرتمند هستند. محور تمام فیلم های هالیوودی، یک نفر هست که قدرت های فوق العاده دارد. خب امیرالمومنین در قدرت کم داشت؟ در چاکا چک شمشیرها، آنکه تا پای جان پای جان رسول الله (ع) الاعظم ایستاد چه کسی بود جز مولا امیرالمومنین؟ وقتی در جنگ احد همه فرار کردند، فقط امیرالمومنین و یک نفر دیگر پای کار رسول الله (ص) ایستاده بود به نام آقای ابودجانه^۱، پیغمبر به او فرمود: «فلانی چرا ایستادی؟ چرا تو فرار نکردی؟ برو!» گفت: «یا رسول الله (ص)! چرا به علی از این حرف ها نمی زنی؟» حضرت فرمود: «آخ علی جان من است.» علی جان پیغمبر هست. هم به جان علی و هم به جان پیغمبر صلوات. مامون از امام رضا (ع) پرسیدند: «بالاترین فضیلت امیرالمومنین در قرآن در کدام آیه هست؟» أَخْبَرَنِي بِأَكْبَرِ فَضِيلَةِ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع يَدُلُّ عَلَيْهَا الْقُرْآنُ «(الفصول المختاره، ص ۳۸) حضرت فرمود همان آیه که می فرماید: «علی جان پیغمبر است: أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسُكُمْ» (آل عمران، ۶۱)

^۱ «أَمَّ يَتَّقَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص إِلَّا أَبُو دُجَانَةَ الْأَنْصَارِيُّ، وَ سِمَاكُ بْنُ خَرْشَةَ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع» (تفسير قمی، ج ۱، ص ۱۱۴)

آنقدر شمشیر زد، که شمشیرش شکست، شمشیری از بهشت برای او آوردند، نامش شد ذوالفقار.^۲ بعد در سن کم وقتی حضرت سه مرتبه فرمود چه کسی حاضر هست برود با قهرمان عرب بجنگد، هر سه بار امیرالمومنی برخاست با عبدود بجنگد. وقتی پا به میدان گذاشت و خودش را معرفی کرد. ترس در دل عبدود نشست، گفت ای وای علی به میدان آمده است. حضرت چگونه را از پا در آورد؟ حیف ما بلد نیستیم انیمیشن این حرف ها را خوشگل در بیاوریم، بچه های ما عاشق امیرالمومنین می شدند. پس امیرالمومنین شجاعت تمام، شجاعت بعلاوه قدرت محبوبیت نمی آورد؟ پس چرا اینقدر با امیرالمومنین عداوت داشتند؟ امیرالمومنین آمد، نامردها شانه به شانه ایستادند، به حضرت جا ندادند، پیغمبر این صحنه را دید، فرمود: «در حیاتم با علی اینگونه برخورد می کنید بعد از حیاتم با او چه می کنید؛ أَتَى النَّاسُ يَعُودُونَهُ فَجَاءَ عَلِيٌّ ع لِيَدْنُو مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص فَلَمْ يَجِدْ مَكَانًا فَلَمَّا رَأَى رَسُولَ اللَّهِ ص أَنَّهُمْ لَا يُفْرِجُونَ لِعَلِّيٍّ ع قَالَ يَا مَعْشَرَ النَّاسِ هَذَا أَهْلُ بَيْتِي تَسْتَحْفُونَ بِهِمْ وَأَنَا حَيٌّ بَيْنَ ظَهْرَائِكُمْ أَمَا وَاللَّهِ لَئِنْ غِبْتُ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَغِيبُ عَنْكُمْ» (امالی صدوق، ص ۱۱۱) آقاییون! این دو گانه را حل کنید، چطور می شود یک نفر در این حد و اندازه شجاعت، قدرت، علم دارد که علی القاعده باید در اوج محبوبیت باشد اما شدت نفرت از حضرت در مدینه بیداد می کرد؟ چرا؟ شما نگاه کنید همین سردار سلیمانی عزیز در تمام نظر سنجی ها، در طول این سال ها، همیشه جز نفرت برتر محبوب کشور بود؟ بعد دیدید سر شهادت مردم خودشان را کشتند؟ چرا اینقدر سردار سلیمانی محبوب بود؟ به خاطر اینکه مردم او را مظهر قدرت ایران می دانستند. چرا شهدا اینقدر محبوب هستند؟ چون مقام

^۲ «لَمَّا انْقَطَعَ سَيْفُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع جَاءَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ الرَّجُلَ يُقَاتِلُ بِالسَّلَاحِ وَ قَدْ انْقَطَعَ سَيْفِي - فَدَفَعَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ ص سَيْفَهُ «ذَا الْفَقَارُ» فَقَالَ قَاتِلْ بِهِذَا، وَلَمْ يَكُنْ يَحْمِلُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص أَحَدٌ - إِلَّا يَسْتَقْبِلُهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع، فَإِذَا رَأَوْهُ رَجَعُوا فَأَنْحَازَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِلَى نَاحِيَةِ أَحَبِّ فَوْقَ وَ كَانَ الْقِتَالُ مِنْ وَجْهِ وَاحِدٍ وَ قَدْ انْهَزَمَ أَصْحَابُهُ فَلَمْ يَزَلْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع يُقَاتِلُهُمْ حَتَّى أَصَابَهُ فِي وَجْهِهِ وَ رَأْسِهِ وَ صَدْرِهِ وَ بَطْنِهِ - وَ يَدَيْهِ وَ رِجْلَيْهِ يَسْعَوْنَ جِرَاحَهُ فَتَحَامَوْهُ، وَ سَمِعُوا مُنَادِيًا يُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ «لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ وَ لَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ» (همان)

معظم رهبری فرمود: «شهدا مظهر قدرت ایران هستند.» شما پیدا کنید رابطه قدرت و محبوبیت را؟

در خانه کدام پدر محبوب هست؟

در خانه کدام پدر محبوب هست؟ پدری که مظهر قدرت باشد. بچه ها عاشق شخصیت قدرتمند هستند. کافی هست این شخصیت قدرتمند را هم پدر نشان دهد هم مادر این جایگاه را حفظ کند. بچه ها تکیه گاه خودشان را به دست می آورند. خصوصا دخترها که پناه جو هستند. از محبت یک قدرتمند به خودشان لذت می برند. پدری که مظهر قدرت شد، در خانه محبوب بچه ها می شود. حالا پدر همه عالم یعنی امیرالمومنین، چرا اینقدر بین بچه هایش محبوب هست؟ مگر رسول الله (ص) نفرمود: «من و علی پدران این امت هستیم؟ ؛ أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ» (عیون اخبار الرضا ع، ج ۲، ص ۸۵) پس چرا این پدر در زمان خودش، در بین امت خودش محبوب نبود؟

تولد معجزه آور، عامل سوم محبوبیت امیرالمومنین

شما نگاه کنید مگر چند نفر در دل خانه کعبه به دنیا آمده بودند؟ هیچ کس نه قبل امیرالمومنین نه بعد امیرالمومنین چنین معجزه بزرگی برایش پیش نیامده بود. مادر حضرت عیسی (ع)، وقتی می خواست وضع حمل کند، خدا فرمود از خانه من برو بیرون، اینجا زایشگاه نیست اینجا عبادتگاه هست. خدایا! ببخشید شما هم سخت نگیر! بالاخره فرزند ایشان، فرزند عادی نیست. ملائکه به آمدن او بشارت دادند. می فرماید: «يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ» (آل عمران، ۴۵) اما محل ولادت او عبادتگاه نیست اما شما ببینید، جایگاه امیرالمومنین را کجا متولد می شود؟ در دل خانه کعبه.

قبل از بعثت خاتم الانبیا، دو تا معجزه در شهر مکه اتفاق افتاد. یکی جریان اصحاب فیل که می دانید که سپاه ابرهه چطور از بین رفت، معجزه دوم تولد امیرالمومنین در دل خانه کعبه است. وقتی مادر حضرت، آمد کنار خانه خدا، درد زایمان گرفت، دل کعبه برای ولادت او شکافت. نه اینکه از در کعبه وارد شود، نه دیوار شکافته شد به عشق روی امیرالمومنین، همه این معجزه را دیدند، رفتند کلیدار خانه خدا را صدا کردند، هرچه کلید زدند، در باز نشد، سه روز بعد دوباره دل کعبه شکافته شد، آیا این معجزه کمی است؟ مردم مکه این معجزه بزرگ را دیدند، دل کعبه برای کدام مولود شکافته شد جز مولا امیرالمومنین؟

دیگر عوامل محبوبیت چیست؟ یک تولد معجزه وار، آن همه علم، قدرت، شجاعت. عجیب اینجاست که امیرالمومنین همه عوامل محبوبیت را داشت و محبوب نبود بلکه کم نبود کسانی که در دل از علی کینه داشتند، چه کینه آقا، کینه شتری؟!

تبلیغات رسول الله (ص) برای امیرالمومنین

یک عامل دیگر برای محبوبیت امیرالمومنین، تبلیغات پیغمبر بود. یک وقتی پیغمبر نشسته بودند، امیرالمومنین آمدند پیغمبر فرمود: «لَوْ لَا أَنَّ تَقُولَ فِيكَ طَوَائِفُ مِنْ أُمَّتِي مَا قَالَتِ النَّصَارَى فِي عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ لَقُلْتُ فِيكَ قَوْلًا لَا تَمُرُّ بِمَالٍ مِنَ النَّاسِ إِلَّا أَخَذُوا التُّرَابَ مِنْ تَحْتِ قَدَمَيْكَ يَلْتَمِسُونَ بِذَلِكَ الْبَرَكَةَ؛ اگر نمی ترسیدم که عده از امت من در باره تو بگویند آنچه را مسیحی در باره عیسی بن مریم گفتند (که او را خدا دانستند) در فضیلت تو حرف های می زدند که کنار هر گروهی از مردم رد می شدی، خاک زیر پایت را برای برکت بردارند.» (کافی، ج ۸، ص ۵۷) فدات بشم یا رسول الله! هنوز هیچی نگفتی این همه امیرالمومنین دشمن دارد. همین جا دو نفر از قریش از سر عصبانیت گفتند: «ببین! راضی نشد ضرب المثل بزند برای پسر عمویش به کمتر از عیسی بن مریم (ع)، اگر ترس این نبود که طوائفی از امت من در باره تو بگویند آنچه را

نصاری در باره عیسی بن مریم گفتند (که او را خدا دانستند) همانا سخنی در فضیلت تو می‌گفتم که بهیچ دسته‌ای از مردم برنخوری (و بر آنها نگذری) جز آنکه خاک زیر پایت را برای برکت بردارند.» (کافی، ج ۸، ص ۵۷).

چرا آدم‌های خوب، اینقدر دشمن دارند؟

چرا آدم‌های خوب، اینقدر دشمن دارند؟ مثل قرآن. قرآن هم همین خاصیت را دارد، فرمود: «لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ؛ اگر این قرآن را بر کوهی نازل می‌کردیم، می‌دیدیم که در برابر آن خاشع می‌شود و از خوف خدا می‌شکافد!» (حشر، ۲۱) یا می‌فرماید بعضی‌ها قرآن برایشان تلاوت می‌کنی، اشک‌شان در می‌آید. اما بعضی‌ها وقتی قرآن تلاوت می‌کنی، نفرتشان بیرون می‌ریزد و نفرتشان زیاد می‌شود. «مَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا» (اسراء، ۴۱). فرمود: «وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا؛ و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده می‌شود، در چهره کافران آثار انکار مشاهده می‌کنی، آن چنان که نزدیک است برخیزند و با مشت به کسانی که آیات ما را بر آنها می‌خوانند حمله کنند!» (حج، ۷۲) آقا! خب نمی‌خواهی گوش بدهی گوش نده، چرا حمله می‌کنی؟ از شدت نفرت.

معصوم‌تر از قرآن، معصوم‌تر از امیرالمومنین، امیرالمومنین که گناهی ندارد، تمام عوامل محبوبیت را دارد، اما تنفر از سر و روی بعضی‌ها نسبت به خوبی‌ها و خوبان می‌بارد نمی‌دانم چه وضعی است. الان در انقلاب اسلامی، این انقلاب اسلامی، هزاران خدمات می‌دهد، یک سوم این خدمات را در اروپا گاهی مردم آنجا دریافت نمی‌کنند، اگر همین خدمات را از اروپا دریافت می‌کرد، قدر دان بود اما از انقلاب اسلامی هرچه خدمات دریافت می‌کند، نفرتش بیشتر می‌شود، پرتقال فروش را پیدا کنید؟ این دوگانه چگونه اتفاق می‌افتد.

خدا خودش آستین بالا زد تا امیرالمومنین را در دل ها جا دهد

امیرالمومنین، همه عوامل محبوبیت را دارد اما نه تنها در اوج محبوبیت نیست، بلکه در اوج نفرت قرار دارد، آن چنان که یک روز حضرت خودش گلایه کردند، گفتند یا رسول الله (س)، خیلی ها از من خوششان نمی آید، چه کنیم؟ پیغمبر منتظر ماندند، تا آیه نازل شد. آیه چه بود؟ فرمود: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا؛ مسلماً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند رحمان محبتی برای آنان در دلها قرار می دهد» (مریم؛ ۹۶) خدا از سرمایه خدای خودش برای محبوبیت امیرالمومنین خرج کرد. اوضاع عوض شد. خدا خودش آستین بالا زد تا امیرالمومنین را در دل ها جا دهد.

شما امروز به دل خودتان نگاه نکنید که عاشق امیرالمومنین هستید، یک مدح حضرت می گویند، شما دل هایتان پرواز می کند، اوضاع زمانه امیرالمومنین این طوری نبود؟ با اینکه حضرت همه عوامل محبوبیت را داشت اما محبوب نبودند چرا؟ مسئله این است.

فرمود: «به خدا قسم اگر با قبضه شمشیر بر نوک بینی مومن بزنم، که از من نفرت پیدا کند، از من نفرت پیدا نمی کند و اگر تمام دنیا را به منافق بدهم که مرا دوست داشته باشد، نمی تواند مرا دوست داشته باشد، چرا که پیغمبر فرمود مومن نفرت تو را دل ندارد و کافر منافق تو را دوست ندارد؛ لَوْ ضَرَبْتُ خَيْشُومَ الْمُؤْمِنِ بِسَيْفِي هَذَا عَلَى أَنْ يُبْغِضَنِي مَا ابْغَضَنِي وَلَوْ صَبَبْتُ الدُّنْيَا بِجَمَاتِهَا عَلَى الْمُنَافِقِ عَلَى أَنْ يُحِبَّنِي مَا أَحَبَّنِي وَ ذَلِكَ أَنَّهُ قُضِيَ فَأَنْقَضَى عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ ص أَنَّهُ قَالَ يَا عَلِيُّ لَا يُبْغِضُكَ مُؤْمِنٌ وَلَا يُحِبُّكَ مُنَافِقٌ كَافِرٌ» (نهج البلاغه، حکمت ۴۵)

انقلابی عمل کردن امیرالمومنین عامل عدم محبوبیت حضرت

این همه محبت شما به حضرت طبیعی نیست، آن همه نفرت از حضرت هم در زمان خودشان با آن همه عوامل محبوبیتی که حضرت داشتند، این هم طبیعی نیست؟ آخه چرا نفرت از این شخصیت با آن هم عوامل محبوبیت؟

یکی از مهم ترین عوامل عدم محبوبیت امیرالمومنین در زمان خودش این بود که حضرت امیر انقلابی عمل می کردند. خیلی ها ظرفیت انقلابی عمل کردن امیرالمومنین را نداشتند، رسماً کم می آوردند، رسماً کوتاه می آمدند، رسماً کینه می گرفتند. حالا هر سه رفتار را در جامعه امیرالمومنین می دیدیم.

نمونه های از انقلابی عمل کردن امیرالمومنین

حضرت در یکی از سفرهای که به یمن رفته بودند، یمنی ها، خیلی امیرالمومنینی هستند، پا قدم حضرت هست. خیلی در ارادت به امیرالمومنین خاص بودند، در جنگ های امیرالمومنین قبایل یمنی سنگ تمام گذاشتند. یک بار هم حضرت فرمود به یمنی ها وقتی پرسیدند جانشین شما چه کسی است؟ حضرت اول فرمود: «همان کسی است که خدا فرمود داده دور او جمع شوید؛ هُوَ الَّذِي أَمَرَكَمُ اللَّهُ بِالْأَعْتَصَامِ بِهِ» (الغیبه نعمانی، ص ۴۰) بعد این آیه را خواندند: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران ۱۰۳) «گفتند این طناب چیست که باید به آن چنگ بزنیم؟ حضرت دوباره یک آیه خواندند که خدا می فرماید یک طنابی هست بین خدا و مردم، همین طوری ادامه دادند تا جایی که پیغمبر فرمود وصی من و جانشین من کسی است که دل ها به سوی می رود. دعای حضرت ابراهیم (ع) شامل حال او است که گفت: «خدایا دل های مردم را به سوی فرزندان من متمایل بگردان؛ فَأَجْعَلْ أَفئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ» (ابراهیم، ۲۷) بعد به آنها فرمود بروید داخل صف بگردید خودتان تشخیص بدهید چه کسی است هر جا دلتان گیر کرد همان کس امام شماست. داستان طولانی هست خلاصه اش

رو می گیم، یمنی ها داخل صف یاران شدند تا رسیدند به امیرالمومنین دیگر نتوانستند از حضرت بگذرند، پیغمبر فرمود حالات خودتان را بگویید بعد آنها گفتند انگاری ما پدر خودمان را دیدیم. این طوری یمنی ها عاشق امیرالمومنین بودند. الان نگاه نکنید، بعضی ها می گویند ما با یمن چه کار داریم؟ اینها عمق استراتژیک این روابط پنهان را نمی فهمند.

خلاصه اینکه امیرالمومنین که از یمن داشتند برمی گشتند با عده، یک لباس های یمنی را با خودشان آوردند که ظاهرا قرار بوده به دست حضرت برسد یا هدیه یا هر جهت دیگری، بعد حضرت در بازگشت از یمن، ماموریتی پیش می آید از همراهانش جدا می شود وقتی برمی گردد می بیند اینها لباس های یمنی را به تن کرده اند، حضرت جانشین خودش را دعوا می کند و می فرماید: «وَيْلَكَ مَا دَعَاكَ إِلَى أَنْ تُعْطِيَهُمُ الْحُلَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذْفَعَهَا إِلَى النَّبِيِّ ع وَ لَمْ أَكُنْ أَذْنُتُ لَكَ فِي ذَلِكَ؛ وای به حال تو چرا این لباس ها را قبل از اینکه به پیامبر بدهیم و از او اجازه بگیریم تقسیم کردی و هدیه کردی؟» (الارشاد، ج ۱، ص ۱۷۳) حضرت لباس ها را از تن اینها در می آورد، اینها وقتی وارد مکه می شوند و می روند پیش رسول الله (ص)، از حضرت گلایه می کنند، پیغمبر دستور می دهد یک نفر در بین مردم با صدای بلند این جمله را بگوید که حضرت فرمودند: «ارْفَعُوا أَلْسِنَتَكُمْ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَإِنَّهُ خَشِنٌ فِي ذَاتِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ غَيْرُ مُدَاهِنٍ فِي دِينِهِ؛ اینقدر پشت سر علی بن ابی طالب حرف نزنید، او در راه خدا خشن هست و در دینش با کسی سازش نمی کند. ساخت و پاخت نمی کند.» (همان)

چرا انقلاب اسلامی دشمن دارد؟

چرا امیرالمومنین با اینکه همه عوامل محبوبیت را داشت، محبوب نبود؟ چون انقلابی بود. انقلابی عمل می کرد. به کسی باج نمی داد. برای خودش گروه و دسته درست نمی کرد. الان برای خیلی ها این سوال هست که چرا ایران مثل عربستان و برخی کشورهای عربی، با آمریکا

رابطه ندارد؟ چون ایران، شیعه امیرالمومنینی است که حضرت به احدی باج نمی داد. چون ایران انقلاب اسلامی دارد. انقلابی گری اقتضائاتی دارد. ما مثل عربستان نمی توانیم گاو شیرده آمریکا باشیم. مثل زمان پهلوی که دوران پهلوی ایران گاو شیرده آمریکا بود.

انقلابی عمل کردن انقلاب اسلامی، را خیلی ها تاب نمی آورند. فرمود: «إِنَّ أَمْرَنَا صَعْبٌ مُسْتَضْعَبٌ لَا يَحْمِلُهُ إِلَّا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ اِمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۶). امر معنای مختلفی دارد یکی از معانی امر، در واقع حکومت ماست، یا همان ولایت که البته ولایت از دایره حکومت بیرون نیست. این حاکمیت ساده نیست؟ نباید ساده انگاری کرد. هرکسی تحمل این فرم از حاکمیت را ندارد مگر اینکه در ایمان امتحانش را پس داده باشد. چرا الان انقلاب ما اینقدر دشمن دارد؟ هم داخلی هم خارجی. خیلی ها انقلاب اسلامی را نه در داخل بر نمی تابند نه در خارج البته این را بگویم که هم در داخل هم در خارج انقلاب اسلامی فداییان منطقه ای و بلکه بین المللی دارد.

چقدر، خارج از ایران، انقلاب اسلامی، جان فدا دارد از سنی بگیر تا دیگران. چون با ایرانش کار ندارند، جنس انقلاب اسلامی را از جنس امیرالمومنین می بینند. اما وجه دشمنی با انقلاب اسلامی چیست؟ چون انقلاب اسلامی، انقلابی عمل می کند. همان کاری که امیرالمومنین می کرد و مردم تحمل نمی کردند.

یا علی اخلاق تو با بقیه فرق دارد

یکبار خالد بن ولید که دشمن حضرت هم هست برگشت گفت: «یا علی! می دانی چرا تو را دوست نداریم و حاضر به همکاری با تو نیستیم؟» حضرت فرمود: «چرا؟» خالد گفت: «اخلاق تو با اخلاق بقیه خلفاء فرق می کند، بقیه هوای اطرافیانش را دارند اما تو هوای اطرافیانت را نداری؛ لَوْ اجْتَمَعَتْ أَخْلَاقُهُمْ إِلَى أَخْلَاقِكَ لَمَا خَالَفَكَ خَالِدٌ» (بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۵۹)

اصل ماجرای دشمنی با حضرت این جاست. انقلابی عمل کردن امیرالمومنین است که این همه دشمن برای او درست می کند. امروز هم انقلابی عمل کردن انقلاب اسلامی ایران، این همه دشمن برای او درست کرده است.

نفرین بر شیعه غیر انقلابی

بعد نفرین بر آن شیعه گری که می رود با دشمن ساخت و پاخت می کند. پس به چه چیز امیرالمومنین تاسی کرده است؟ این شیعه انگلیسی نیست پس چیست؟ شیعه هم چند جور داریم شیعه انقلابی، شیعه غیر انقلابی. مثلاً اگر بخواهیم یک شیعه غیر انقلابی را مثال بزنیم، ابن عباس پسر عموی امیرالمومنین هست. وقتی حضرت به حکومت رسید پیشنهاد داد به امیرالمومنین گفت: «ای امیرالمومنین تو مرد شجاعی هست ولی از سیاست جنگ آگاه نیستی، فقط يك ماه معاویه را به حکومت بگمار سپس برای همیشه او را عزل کن؛ ، أنت رجل شجاع لست بارب بالحرب... إن أحببت عزله فوله شهرا و اعزله دهرا» (سیمای کارگزاران، ج ۲، ص ۳۵۴ به نقل از منهاج البراعه، تاریخ طبری، البدایه و النهایه). حضرت می فرمود: «به جز شمشیر چیزی به معاویه نمی دهم، لا و الله، لا أعطیه الا السیف» (همان)

گاهی خوارج می گفتند یا علی چرا انقلابی عمل نمی کنی!

پس مهم ترین ویژگی امیرالمومنین که موجب می شد از او کینه بگیرند این کوتاه نیامدن های او بود یعنی انقلابی عمل کردن های حضرت. البته گاهی اوقات هم حضرت به یک معنا انقلابی عمل نکرد، چرا؟ اینجا هم قسمت سخت ماجرا هست. که در مدیریت ولایت، انقلابی کردن، مقابل دشمن خارجی اصل هست اما در مقابل منافق داخلی چی؟ همیشه ولایت مامور به انقلابی عمل کردن نیست. گاهی خوارج به حضرت دقیقا همین اشکال را می گرفتند که چرا

شما انقلابی عمل نمی کنی؟ مردم باید خودشان آنقدر درک سیاسی داشته باشند، یک جایی مردم باید انقلابی عمل کنند.

انقلاب اقتصادی، اولین انقلابی عمل کردن بعد از رسیدن به حکومت

یک جایی دیگر هم حضرت انقلابی عمل کردن، جدای از آن دشمن خارجی، آن هم در مسئله تحول در نظام اقتصادی بود. در اولین اقدام انقلابی امیرالمومنین بعد از به حکومت رسیدند، شیوه توزیع بیت المال را تغییر دادند، حضرت فرمود: «فَأَنْتُمْ عِبَادُ اللَّهِ وَ الْمَالُ مَالُ اللَّهِ يُقْسَمُ بَيْنَكُمْ بِالسَّوِيَّةِ لَا فَضْلَ فِيهِ لِأَحَدٍ عَلَى أَحَدٍ؛ شما بندگان خدا و مال مال خدا است، و میان شما برابر بخش خواهد شد، و هیچ کس را در آن بر دیگری برتری نیست» (شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۳۷) اساس دشمنی ها از اینجا شروع شد. فحش دادن ها، بد و بیراه ها از اینجا شروع شد. این را تاریخ می گوید: «وَ كَانَ هَذَا أَوَّلَ مَا أَنْكَرُوهُ مِنْ كَلَامِهِ ع وَ أَوْرَثَهُمُ الضُّعْفَ (کینه) عَلَيْهِ وَ كَرِهُوا عَطَاءَهُ وَ قَسَمَهُ بِالسَّوِيَّةِ» (همان) حضرت وقتی فرمان تقسیم عادلانه ثروت را دادند، یکی از یاران حضرت برگشت گفت: «يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ هَذَا غُلَامِي بِالْأَمْسِ وَ قَدْ أَعْتَقْتَهُ الْيَوْمَ؛ یا امیر المؤمنین، این شخص تا دیروز غلام من بود و او را آزاد کردم» (همان) حضرت فرمود: «همین طور هست.» از اینجا بود که طلحه و زبیر جدا شدند. فردا آمدند گفتند آقا ما تو انقلاب شما نقش داشتیم سهم بیشتری بدهید. حضرت فرمود هرگز.

انقلاب اسلامی امروز نیاز به انقلاب اقتصادی دارد

بله انقلاب امیرالمومنین، انقلاب اقتصادی بود. صدای خیلی ها در می آورد. انقلاب اسلامی اگر بخواهد انقلابی عمل کند، باید امروز تحولی در نظام اقتصادی خودش بدهد. این انقلاب بزرگی است که در پیش ماست. اگر حضرت امیر آن روز انقلاب اقتصادی خودش را به راه نمی

انداخت آن همه دشمن پیدا نمی کرد. انقلاب اسلامی، سال ۵۷ انقلاب سیاسی بود که اتفاق افتاد اما ما هنوز انقلاب اقتصادی مان ادامه دارد.

مشکلات امروز اقتصادی، ما به خاطر این هست که ما در مسئله اقتصاد انقلابی عمل نکردیم و اصلاً انقلاب اقتصادی را رقم نزدیم. ما اگر بخواهیم انقلاب اقتصادی را رقم بزنیم بدون نقش آفرینی ما مردم امکان ندارد.

مردم پای هر کارخانه تعطیل شده بیایند، آن را سرپا می کنند

مردم پای هر کارخانه تعطیل شده، بیایند می توانند آن کارخانه را سرپا کنند، منتها نظامات سیاسی و فرهنگی ما اساساً چنین رویکردی را ندارند. البته تا وقتی به اضطراب برسیم، مثل سیل و زلزله و ... مردم ما می آیند پای کار، این چیز خوبی است اما سبک زندگی ما نیست.

آیت الله بهجت (ره): «چه خوب است که در هر شهری، هیاتی، اعانه‌ها و کمک‌های مردمی را جمع‌آوری کنند و شبانه به فقرا و محرومین شهر برسانند و نگویند که چه کسی داده است. چیزی نمی‌گذرد که گویی همه اهل شهر، غنی هستند.»^۳ اگر به همین سفارش ایشان عمل کرده بودیم، الان کلی از مشکلات ما حل شده بود، قدرت مردم یک جامعه فقیر را غنی می کند.

مقام معظم رهبری خطاب به دولت مردان و مسئولین فرمودند: «مردم را در تصمیم‌سازی‌های دستگاه‌های مسئول کشور شریک کنند؛ این یک، و برای این هم که از ظرفیتهای مردمی هم در عمل چگونه بایستی استفاده کرد، ساز و کار درست کنند که مردم را در اقدام هم شریک

^۳ در محضر بهجت/ج ۱/ص ۴۵

کنند.»^۴ این حرف یعنی مشکلات با نقش دهی به مردم حل می شود. این نیاز به قانون دارد، این نیاز به همکاری مردم و حاکمان دارد. این حرفی نیست که بنشینیم و تماشا کنیم و از کنارش عبور کنیم.

یکی از معانی شریک کردن مردم در اقدام یعنی این که عده‌ای از مؤمنین جمع بشوند و و یک بخش غیررسمی، در موضوعات مختلف تشکیل دهند و در امور شهر اثرگذار باشند. آن‌ها از شهر مواظبت کنند و به امور معیشتی و سیاسی رسیدگی کنند. این طور هم بار دولت را کم کرده اند هم گلیم خودشان را از آب کشیده اند. مشکلات خودشان را هم خودشان حل کردند.

اگر ما مردم به همان تک موعظه خدا عمل کنیم، با هم قیام کنیم و مثل قوم حضرت موسی (ع) ننشینیم و دست روی دست نذاریم، بسیاری از مشکلات مردم به دست قدرتمند مردم حل می شود. فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^۵ یعنی خدا اوضاع یک جامعه و مردم را تغییر نمی دهد مگر اینکه خودشان را تغییر دهند. خودشان برای تغییر اوضاع قدمی بردارند.

فعال کردن بخش تعاونی، یک گام اساسی برای نقش آفرینی مردم

چگونه ما برای تغییر اوضاع قدمی برداریم؟ یک گام اساسی این است که تصمیم بگیریم ما مردم نقش آفرینی کنیم. در اقتصاد، در معیشت. ما تصمیم بگیریم سبک معیشت خودمان را عوض کنیم. الان پول گذاشتن در بانک، در جامعه ما زشت نیست. این سبک زندگی ماست. در

^۴ ۱۹/۱۰/۱۴۰۰ بیانات در ارتباط تصویری با مردم قم.

^۵ رعد، ۱۱.

حالی که اگر همین یک سبک زندگی را تغییر دهیم، چقدر اوضاع معیشت تغییر می کند. تعاونی ها را تقویت کنیم.

الان در جهان تعاونی ها رشد کرده اند، چقدر طرفدار پیدا کرده است. یکی از تعاونی های موفق در انگلستان و از یک سری مقرارت مخصوص پیروی می کرد و الگوی عملی و تجربی تشکیل تعاونی در کشورهای گوناگون قرار گرفت، «تعاونی مصرف پیشگامان منصف راجدایل بود» این تعاونی در سال ۱۸۴۴ در راجدایل، محل نزدیکی شهر منچستر انگستان دایر شد و از آن تاریخ تا کنون، تعاونی های بسیاری در جهان تاسیس شده است و ۸۰۰ میلیون عضو دارد.^۶

ما ایرانی ها، استعداد عجیبی داریم، در الگو گرفتن از غربی ها و کنار گذاشتن سبک زندگی خودمان، حالا بیایم اینبار در جهت خوب از این استعداد خودمان استفاده کنیم. سبک زندگی فردی و غیر متعاونانه خودمان را کنار بگذاریم، مثل غربی ها، زندگی کنیم، متعاونانه چه اشکالی دارد؟

ولایت بهترین ظرف برای تحقق زندگی متعاونانه هست

فرمود: «تَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى»^۷ اگر به همین آیه در معیشت و اقتصاد عمل کنیم، تمام مشکلات امروز را به فضل الهی از پیش رو خواهیم برداشت، کما اینکه تا به امروز تجربه تاریخی ما نشان داده است بزرگترین مشکلات کشور، با مردم حل شده است. تعاونی محور می خواهد، کدام محور بالاتر از ولایت امیرالمومنین. ولایت اساساً قوی ترین میثاق اجتماعی است که می توان آدم ها را واقعا دور هم جمع کرد. چیزی که در اربعین محقق می شود. امشب از مولود کعبه

^۶ مقاله/ اقتصاد تعاونی در اسلام: غلام رضا سر آبادی.

^۷ مائده، ۲.

بخواهیم با این ولایت متعاونانه زندگی کنیم. ما ظرفیتش را داریم. چون ولایت داریم. ولایت
بهترین ظرف برای تحقق زندگی متعاونانه هست.